

سلفی‌گری در عراق جدید و تاثیر آن بر مباحث قومی و امنیتی ج.ا.ا.

علیرضا طحانمنش^۱

حجت‌الله قدیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۱۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۱/۳۱

چکیده

یکی از جریان‌های انحرافی‌های در قرون میانی به تدریج در حوزه اندیشه و مذاهب اسلامی اثر گذاشت و نخط فکری جدیدی را بنیان نهاد جریان سلفی‌گری است که در عصر اخیر نه به عنوان یک مکتب فکری خاص با یک سلسله اصول و فروع عقیدتی بلکه به شکل یک جریان گذشته‌گرای فکری با یک ساختار سیاسی ویژه، توانسته است به پشتوانه ادبیات فقهی و کلامی و نیز نشانه‌شناسی متکی بر شبکه معنایی گسترده نیاز به گرایشها و جریان‌های سیاسی سلفی مجسم و آنها را در اشکال روز باز تولید کند. در این میان عراق با موقعیت حساس و وابستگی‌های عمیق ژئوپولیتیکی متقابل با جمهوری اسلامی ایران یکی از معدود کشورهایی است که همواره از بطن شکل‌گیری ایده سلفی‌گری درگیر آن بوده است به طوری که پس از اشغال عراق این کشور به کانون اصلی فعالیت گروه‌های سلفی تبدیل شد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و استنتاجی است به این معنا که ابتدا با نگرشی اسنادی به توصیف و سپس تحلیل سلفی‌گری در عراق جدید و با توجه به متغیرهای دخیل پرداخته می‌شود و در نهایت فرضیه پژوهش در قالب مبحث نتیجه‌گیری مورد آزمون قرار می‌گیرند. نتایج حاصله مبنی بر این است که عراق از نظر جامعه‌شناختی با بافت اجتماعی موزاییکی و شکافت‌های متعدد قومی و فرقه‌ای از قابلیت‌های بالایی برای انتقال تنش‌های اجتماعی و ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌ها به سراسر منطقه از جمله ایران است و از طرفی تحولات درونی عراق با منافع و برداشت‌های طیف وسیعی از بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران، کشورهای عربی و... گره خورده است و مناقشات و درگیری‌های داخلی این کشور می‌تواند موجب تشدید اختلافات در سطح منطقه شود در این مقاله، این تاثیرات را بر قومیت‌گرایی و نقش آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، تروریسم، قومیت، سلفی‌گری، عراق جدید، جغرافیای سیاسی.

Alirezatahanmanesh@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه

Hojatgh47@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشکده فارابی

مقدمه

در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی‌دارد. حضور این افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده‌های فرهنگی آن در برخی از مراکز، باعث جلب توجه برخی از جوانان پرشور که از اقدامات سرکوبگرانه اشغالگران به ستوه آمده‌اند، شده است.

از آغاز قرن چهاردهم، مکتب «سلفی» بر سر زبان‌ها افتاد و گروهی آن را به عنوان «دین» و «مذهب» برگزیدند و خود را «سلفی» نامیدند و برخی، آن را «روش فکری» برای رسیدن به حقیقت اسلام دانستند. برای روشن شدن مطلب، لازم است با تاریخچه «سلفیه» و شیوه تفکر و روش استدلال آنها در بحث‌های اعتقادی و فقهی بیشتر آشنا شویم.

سلفی‌ها روایات خود را مستقیماً از احمد بن حنبل (متولد ۲۴۱)، احمد بن تیمیه (متولد ۷۲۸)، ابن القیم الجوزیه (متولد ۷۵۱) و محمد بن عبدالوهاب تیمیمی نجدی (متولد ۱۱۱۵-۱۲۰۶) می‌گیرند. سلفیه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت یک شکل و ساختار سیاسی درآمد و هم پیمانی وی با محمد بن سعود پایه‌گذار حاکمیت آل سعود در عربستان به این روند تسریع بخشید. پیوند میان علما و حاکمان سعودی گرچه دچار تغییر و تحول شده است و شیوخ وهابی از برخی اختیارات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند اما در عین حال هنوز هم از وضعیت و جایگاه خوبی در نظام سیاسی سعودی برخوردار هستند. علاوه بر سرزمین حجاز، مصر نیز از تغییر و تحولات عقیدتی برکنار نماند و سلفی‌های این کشور با اقدامات و فعالیت‌های حسن‌البناء و جنبش اخوان المسلمین، سیر جدیدی در آموزه‌های عقیدتی اهل سنت تجربه کردند و باب‌های جدیدی برای این گروه جهت گشودن روزنه‌های محدود اجتهاد باز شد. اما با مرگ زودهنگام حسن‌البناء جنبش اخوان المسلمین تحت تأثیر اندیشه‌های دو شخصیت، به نام‌های ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبیت روش پای‌بندی به متون دینی بر اساس دیدگاه‌های خاص فقهی خود، دیدگاه تکفیر را پی‌ریزی کردند.

از نقاطی که، جریان سلفی‌ها به صورت فعال در حوادث سیاسی نقش آفرینی می‌کنند سرزمین اشغال شده عراق است. در حال حاضر یک دولت شیعی در این کشور در راس امور اجرایی عراق قرار دارد اما حضور عناصر شیعی منافع برخی از سران منطقه، یعنی‌ها و گروه‌های تندروی سنی مذهب این کشور را به مخاطره انداخته است. با توجه به وجود خاطره هشت

سال دفاع ایران از مرزهای خود و حمایت همه جانبه سران عرب منطقه از صدام حسین در جنگ تحمیلی، تصویری از دیکتاتور بعثی به عنوان سرداری مدافع عربیت و مذهب اهل سنت در برابر خطر عجم های شیعی مسلک در باور سنیان عراق و سایر کشورهای منطقه چنان نفوذ کرده بود که تصور می کردند حضور ایرانیان در عراق و برقراری پیوند مستحکم میان شیعیان منطقه، حیات سیاسی عرب و نفوذ مذهب اهل سنت را به خطر خواهد افکند. گذشته از این، چون حوادث پیش آمده باعث تضعیف حزب بعث شده بود برای رهایی از این تنگنا، اتحادی استراتژیک میان سنیان ناراضی و عناصر حزب بعث شکل گرفت. از بعد مذهبی نیز القاعده امکان بیشتری را برای جولان دادن در مناطق سنی نشین یافت. از این پس، روند خشونت در عراق شتاب بیشتری به خود گرفت و تکفیری ها در این کشور عرصه را برای اقدامات خود مناسب دیدند. گرچه وقوع جنگ مذهبی در خاورمیانه تازگی ندارد اما افزایش چنین نزاع هایی در پاکستان و عراق به یک نگرانی عمده تبدیل شده است و متأسفانه نشست های مشترک شیعه و سنی نتیجه ای قابل ملاحظه دربر نداشته است.

یکی از عوامل مهم درگیری های خونین منطقه، بحث تکفیر شیعیان و مطرح کردن آن از سوی علما و روحانیون افراتی وهابی و سلفی است که باعث قربانی شدن بسیاری از شیعیان بی گناه در منطقه شده است. گفتنی است که به جای برخورد مناسب و معقولانه با این پدیده و اعلام برائت از اقدامات خشن و سرکوبگرانه، در آذر ماه ۱۳۸۵ سی و هشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی در بیانیه ای ضمن ابراز تأسف از سقوط بغداد آن را توطئه مشکوک صلیبیون، روافض و صفویان دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمایت از اشغالگران و تحدید نفوذ اهل سنت در منطقه و ایجاد هلال شیعه و تجزیه عراق به سه منطقه کردی، شیعی و سنی خواندند. کاملاً مشخص بود که در این نوع تقسیم بندی روافض یعنی شیعیان، صفویان همان ایرانیان و اشغالگران نیز سربازان صلیبی هستند (www.khabaronhe.ir).

پژوهش فوق با نام سلفی گری در عراق جدید و تاثیر آن بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران است که در بخش اول به کلیات پژوهش اعم از بیان مسئله، اهمیت و اهداف تحقیق، سوال پژوهش، فرضیه ی پژوهش، روش تحقیق، تعریف مفاهیم و مبانی نظری است؛ بخش دوم به ساختار سیاسی اجتماعی عراق جدید اختصاص دارد؛ بخش سوم به روند سلفی گری در عراق می پردازیم؛ در بخش چهارم به تبعات ایدئولوژیکی گروه های سلفی بر جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد؛ در بخش پنجم به تاثیر سلفی گری در عراق بر قومیت

ها و امنیت جمهوری اسلامی ایران در پایان هم به نتیجه گیری با توجه به فرضیه مطرح شده می پردازیم.

بخش اول: کلیات پژوهش

بیان مسئله

زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تاثیر شکاف‌های اجتماعی و نحوه صورتبندی آن شکاف‌ها قرار دارد. نوع و شمار شکاف‌های اجتماعی و نحوه صورتبندی یا ترکیب آنها، باعث تنوع جامعه شناختی کشورها می‌شود. در همین راستا پیچیدگی و تنوع در ترکیب و ساختار جمعیتی عراق شکاف‌های متراکم و متداخلی را در ابعاد قومی و مذهبی در این کشور رقم زده است. تقسیم‌بندی دینی - مذهبی، جامعه عراق از گروه‌های شیعه، سنی، مسیحی، یزیدی، صائبی و... تشکیل شده است. به لحاظ قومی جامعه عراق ترکیبی از گروه‌های قومی کرد، عرب و ترکمن است. در کنار این تنوع، در هم تنیدگی و پیوندهای متداخل قومی - مذهبی به پیچیدگی اوضاع و احوال سیاسی و تشدید شکاف‌ها کمک کرده است. در این میان و در حوزه‌ی سیاسی بازیگرانی از قبیل شیعیان، اعراب سنی و کردها به عنوان کنشگران فعال نسبت به سایر گروهها درصدد ایفای نقش موثر و افزودن بر جایگاه خود در معادلات سیاسی عراق هستند. در واقع این سه گروه با تفاوت‌هایی که دارند حایز اهمیت و شناسایی هستند.

با سقوط دولت صدام حسین، آینده نظام سیاسی عراق از جمله مباحث و موضوعات جدی مورد بحث و بررسی در بسیاری از محافل سیاسی و علمی دانشگاهی در سطح جهان است و به نظر میرسد تا استقرار کامل نظام سیاسی جدید این کشور، این مناظرات ادامه یابد. شکل‌گیری سلفی‌گری یکی از مهمترین رویداد‌های ایدئولوژیکی و فکری تاریخ مسلمانان به شمار می‌آید که توانسته است به پشتوانه ادبیات فقهی و کلامی و نیز نشانه‌شناسی متکی بر شبکه معنایی گسترده نیاز به گرایشها و جریان‌های سیاسی سلفی مجسم و آنها را در اشکال روز باز تولید کند. در این میان عراق با موقعیت حساس و وابستگی‌های عمیق ژئوپولیتیکی متقابل با جمهوری اسلامی ایران یکی از معدود کشورهایی است که همواره از بطن شکل‌گیری ایده سلفی‌گری درگیر آن بوده است به طوری که پس از اشغال عراق این کشور به کانون اصلی فعالیت گروههای سلفی تبدیل شد. و این جریان در تلاقی و همپوشانی با مدارهای قدرتمند سلفی، در جایگاه مهمترین بازیگر غیر دولتی در صحنه تحولات عراق قرار گرفت. این گونه

نقش آفرینی در حلقه اول جغرافیای سیاسی ایران واجد پیامدهای مهم برای جمهوری اسلامی ایران است. تحقیق حاضر این تاثیرات را بر قومیت‌گرایی و نقش آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار خواهد داد. تاثیر‌گذاری و تاثیرپذیری دو کشور ایران و عراق از یکدیگر در طول تاریخ سیاسی روابط آنان موضوعی است که قابل چشم‌پوشی نیست، اما این تاثیرها همواره حالتی معکوس داشته است به عبارتی نامنی در یکی، امنیت در دیگری را در پی داشته است، اما این حالت زمانی وجود داشته که دو کشور روابط مناسبی نداشته و روابط خصمانه داشته اند. پس از حمله آمریکا به عراق و روی کار آمدن دولت تقریباً همسو با جمهوری اسلامی ایران با این کشور و به قدرت رسیدن افرادی که در زمان رژیم بعث در ایران ساکن بوده اند و از سوی ایران حمایت می‌شوند این شائبه نزدیکی بیش از پیش دو کشور را تقویت می‌کند و رقابت امنیتی دو کشور از حالت برد باخت در حالت تبدیل شدن به برد برد برای هر دو کشور و یا تقریباً هدف دو کشور است. حال به این توضیح و با توجه به تردد متقابلی که بعد از سقوط صدام در عراق بین دو کشور رو به گسترش است و گرایشات مذهبی و مشترک دو کشور این پیوستگی‌ها در حال افزایش است که بدون شک تهدید یکی اگر تهدید دیگری نباشد تضعیف دیگری خواهد بود. این تهدیدات در سال‌های گذشته اشکال مختلفی داشته است که می‌توان از حوادث تروریستی و جریان سلفی در عراق جدید نام برد. در این تحقیق در پی شناسایی تاثیراتی هستیم که به واسطه حوادث تروریستی و جریان سلفی در عراق امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را متاثر خواهد نمود. سلفیه پدیده ای انحصار طلبانه و مدعی مسلمانی که همه را جز خود کافر می‌داند. آنها با به تن کردن جامه سلف صالح که همان پیشینیان و صحابی رسول خدا هستند با حذف دیگران از جامعه و کنار گذاشتن آنها به سوی یگانه شدن پیش رفته و از رویی دیگر با ادعای وحدت، شمشیر تکفیر و تفرقه را کشیده و جامعه را به سوی چند دستگی می‌کشاند.

اهمیت و اهداف تحقیق:

وجود حلقه های اجتماعی - سیاسی - فرهنگی بین دو کشور و نقش آفرینی کشورهای فرمانتقه ای در این کشور با هدف تاثیرگذاری بر این حلقه ها. سلفی‌گری یکی از پدیده های نو ظهور در کشور عراق می باشد، که سرچشمه آن از کشور عربستان و وهابیت گرفته می شود، تاثیر پذیری جریان های قومی ایران از این جریان، یکی از مباحث مهم به شمار می رود که کردهای منطقه غرب ایران و اعراب منطقه خوزستان را در بر گرفته است.

این تحقیق می تواند اطلاعات مفیدی در اختیار موسسات مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بخصوص در حوزه خاورمیانه و بالاخص عراق قرار دهد. تا بر مبنای آن تصمیم سازی موفقیت آمیز اتخاذ شود. از طرفی بر نوع نگاه سازمان های امنیتی در خصوص عراق موثر خواهد بود، تا بر مبنای آن واقع بینانه تر بر این حوادث بنگرند.

- ۱- اهداف علمی: میزان تاثیر پذیری جمهوری اسلامی ایران از جریان سلفی در عراق جدید
- ۲- اهداف کاربردی: شناسایی گروه های سیاسی در عراق و فعالیت های آنها در این کشور است.

سوال پژوهش:

جریان سلفی گری در عراق جدید، چه تاثیری بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

فرضیه پژوهش:

شکل گیری سلفی گری در عراق باعث تقویت روحیه جدایی طلبی در اقوام جنوب و غرب ایران و همچنین گسترش گروه های تروریستی و جدایی طلب می شود.

روش تحقیق:

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و استنتاجی است به این معنا که ابتدا با نگرشی اسنادی به توصیف و سپس تحلیل سلفی گری در عراق جدید با توجه به متغیرهای دخیل پرداخته می شود و سپس و تاثیر آن بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار می گیرد. در نهایت فرضیه پژوهش در قالب مبحث نتیجه گیری مورد آزمون قرار می گیرد.

تعریف مفاهیم

امنیت ملی

تعریف فرهنگ های لغات از «امنیت»، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. «امنیت» همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین المللی، در زمره مسائل ملی است که انسان با آن مواجه است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج

داشته باشند(ربیع، ۱۳۸۳: ۴۳). از سوی دیگر، امنیت پدیده‌ای متأثر از مؤلفه‌های مادی - ذهنی به شمار می‌آید که دیگر چونان دوران جنگ سرد، نمی‌توان آن را در ذیل ملاحظات نظامی تعریف نمود. امنیت، در لغت، به حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله‌ای اطلاق می‌شود. در علوم سیاسی و حقوقی، امنیت به پنج قلمرو مشخص شده است. ۱. خردی ۲. اجتماعی ۳. ملی ۴- بین‌المللی ۵- جمعی^۱ تقسیم شده است. در این پنج قلمرو امنیت بزرگترین و نهایی‌ترین هدف، حفظ و استقرار نظام انسانی دور از تشویش است. امنیت ملی یک گام بالاتر از دیگر مفاهیم امنیت می‌باشد، زیرا به عوامل متعددی از جمله حفظ و دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی در مقابل تهدیدات، تأمین ثبات سیاسی کشور و حفظ آن، توسعه و رشد اقتصادی، تأمین رفاهیت جامعه و ارتقای سطح زندگی، حفظ و اشاعه ارزشهای ملی و فرهنگی، فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی می‌پردازد(مکین لای، آرلیتل، ۱۳۸۱: ۵۹).

سلفی‌گری:

سلفی‌گری در معنای لغوی به معنی تقلید از گذشتگان، کهنه پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است، اما سلفیه^۲ (اصحاب السلف الصالح) در معنای اصطلاحی آن، نام فرقه‌ای است که تمسک به دین اسلام جسته، خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود، سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام(ص)، صحابه و تابعین دارند. آنان معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است؛ یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علماً نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، پردازند. در اندیشه سلفیون، اسلوبهای عقلی و منطقی جایگاهی ندارد و تنها نصوص قرآن، احادیث و نیز ادله مفهوم از نص قرآن برای آنان حجیت دارد.

قومیت

واژه قوم به صورت هر چه گسترده‌تر درباره گروه‌های انسانی خاصی به کار می‌رود که به دلایلی چون ابهام در حدود آنها، فقدان نهادهای سرزمینی، عدم توسعه، خرد و کوچک بودن و بالاخره ویژگیهای مشترک آنها این امکان را ایجاد کرده است که اصولاً وجودشان زیر سوال برود. قوم را با توجه به قومیت تعریف می‌نمایند و معتقدند قوم عبارت است: یک گروه انسانی - نژادی که از زبان فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروهی ویژه‌ای در چارچوب

1. Collective Security
2. Salafiyye

یک شاخه بزرگ نژادی برخوردار است، به قسمتی که حتی از دیگر گروه های نژاد خود قابل تشخیص و تفکیک می گردد، به همین دلیل است که گاهی همین گروه قومی به معنی گروه ملی یا معادل آن در می آید (معدفر، رضایی، ۱۳۸۸: ۲۳).

قومیت تعلق به یک گروه قومی است که شامل آگاهی نسبت به ریشه های تاریخی و سنتهای تاریخی و سنت های مشترک می باشد و ترکیب پیچیده ویژگی های فرهنگی، نژادی و تاریخی است و هنگامی که خودآگاهی نیز وارد این تعریف می شود، جنبه قوم گرایی می یابد یعنی قوم گرایی عبارت است از: احساس منشاء مشترک، سرنوشت مشترک، انحصار نسبی ارزشمند مشترک که سبب تقسیم بندی جوامع به خانواده های سیاسی مجزا و احتمالاً خصمانه و عبارت بهتر قومگرایی عبارت است از «خود آگاهی سیاسی مختلف زبانی، مذهبی و نژادی در یک سرزمین نسبت به هویت خود و نیز تفاوت قائل شدن میان خود و سایر گروههای ساکن در همان منطقه است» (همان، ۲۴)

تروریسم

واژه تروریسم^۱ در فرهنگ لغات فرانسه، نظام یا «رژیم وحشت» تعریف شده است. پس از انقلاب فرانسه این واژه با نوشتاری از ادmond berk^۲ در سال ۱۷۹۵ وارد انگلستان گردید و از آن به عنوان دشمن مردم و سنت یاد شد. گرچه این واژه در دوران انقلاب فرانسه به معنای «حکومت وحشت» یا حداقل معادل آن بود، ولی به مرور زمان معنای گسترده تری یافت و در فرهنگ لغات در ردیف نظام وحشت و ترور تعریف شد. همچنین در تعریف دیگری از واژه تروریسم می توان گفت "تروریسم یعنی اقدام غیر مشروع و توطئه آمیز برای کشتن یک یا چند انسان با نیت سیاسی یا به خاطر نیل به هدفهای سیاسی معین" (متقی، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۶۲).

مبانی نظری

چارچوب های نظری درباره مسئله قومیت و ناسیونالیسم قومی

در مورد قومیت و ناسیونالیسم قومی دو قلمرو اساسی نظری وجود دارد؛ در یک قلمرو، مکاتب گوناگون فکری درباره ماهیت قومیت و ناسیونالیسم به چشم میخورد و قلمرو دیگر به بحثهای نظری در خصوص علل سیاسی شدن مسئله قومیت اختصاص دارد.

نظریه های بسیج قومی: در این مورد رهیافتهای گوناگونی وجود دارد که عبارتند از تاکید بر ساختارهای اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان متغیرهای تبیینی اصلی که در آثار والرشتاین

1. Terrorism
2. Edmond Berk

منعکس است، کثرتگرایی فرهنگی به عنوان یک متغیر اصلی عنوان شده در آثار نورینوال، رقابت بر سر منابع که در آثار بارت و اولزاک موجود است، نظریه رقابت نخبگان منعکس در آثار آنتونی اسمیت و سرانجام نظریه انتخاب حسابگرانه که در آثار جدید مایکل هشر بر آن تاکید شده است. در همه این مکاتب نظری تلاش شده است علل و شیوه های سیاسی شدن وابستگیهای قومی کهن و بسیج قومی در دوران جدید تبیین شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

در حالی که اغلب نظریه های بسیج قومی در مقوله رهیافت نوگرایانه جای میگیرد، استدلال کهن گرایی این است که هویت و احساسات کهن در یک گروه باعث بسیج قومی میشود. اما صرف داشتن احساسات کهن برای سیاسی شدن قومیت کافی نیست.

نکته مهم این است که ما باید میان تفاوتهای قومی در یک جامعه، نظیر تفاوت در زبان، مذهب، فیزیولوژی یا فرهنگ با بسیج قومی تمایز قائل شویم. تفاوتهای قومی پایگاه بالقوه بسیج قومی است، اما نفس وجود تفاوتهای قومی تضمین کننده بسیج قومی نمیشد. تجربه ایران نشان که دیدگاه کهن گرا برای توضیح سیاسی شدن اختلافات زبانی - مذهبی در ایران وجود داشت، اما این دیدگاه تا اواسط قرن بیستم باعث سیاسی شدن این تمایزات نشد. سیاسی شدن این تفاوتها و ایجاد حرکتیهای سیاسی مبتنی بر آن در ایران پدیده ای مدرن است، زیرا منافع ابزار گرایانه عامل اصلی سیاسی شدن علائق کهن زبانی - مذهبی بوده است (همان، ۱۵۴).

نظریه رقابت بر سر منابع: براساس این رهیافت ادغام سیاسی گروه های قومی در داخل یک دولت - ملت خاص، چهار چوبی فراهم میسازد که در آن رقابت بر سر منابع - به ویژه مشاغل دولتی - انگیزه عمده کشمکش میان قومی را به وجود می آورد. هویت یابی قومی به عنوان اساس اقدام جمعی زمانی تحقق میپذیرد و حفظ میشود که امتیازات آشکاری وجود داشته باشد که با تکیه بر هویت قومی بتوان برای دست یافتن به آنها با دیگران رقابت کرد این رقابت میان گروه های قومی عامل بسیج قومی است و منجر به تشکیل سازمانهای قومی و افزایش هویت های قومی میشود. تئوریهای مربوط به بسیج و رقابت بر سر منابع، مفهوم بندی سیال و موقعیت گرایانه ای از قومیت و مرزهای قومی و نهایتاً ناسیونالیسم قومی ارائه می دهند که آنها را قادر میکند تا پویایی اقدام جمعی قومی و افول آن را توضیح دهند که در چار چوب چنین رویکردی میتوان به لحاظ تهدیداتی که برای امنیت ملی یک کشور مثل ایران دارد آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد (همان، ۱۵۵).

بخش دوم: ساختار سیاسی اجتماعی عراق جدید

از سال ۲۰۰۳ فصل جدیدی در ساختار سیاسی اجتماعی عراق به وجود آمد، و این فصل جدید با حمله آمریکا به عراق و سرنگونی رژیم صدام آغاز شد.

در ماه مه ۲۰۰۴ با یک بیانیه از جانب فرماندهان آمریکایی، حزب بعث و کلیه ارگان های نظامی و انتظامی رژیم عراق منحل گردید. پس از انحلال تشکیلات مربوطه، پل برمر فرمانده نظامی آمریکایی با تشکیل دولت ائتلافی موقت حاکمیت عراق را بر عهده گرفت و موظف شد تا مقدمات انتقال قدرت به عراقیان را فراهم کند. بسیاری از چهره های سیاسی تبعید شده به تدریج از تبعید به عراق برگشتند. روحانیون و رجال وابسته به اپوزیسیون شیعه، که بیشتر در ایران و لبنان و سوریه سکونت داشتند، برای مبارزه برای احیای حقوق شیعیان، راه عراق را در پیش گرفتند.

سید محمد باقر حکیم، رهبر «مجلس اعلای انقلاب اسلامی در عراق» از راه جنوب ایران به عراق برگشت. حمله آمریکا و انگلیس به عراق همه چیز را تغییر داده بود و نظم قدیم فروپاشید و آشفتگی جدیدی بوجود آمده بود. ائتلاف موقت قدرت که به طور موقتی عراق را پس از حمله آمریکا رهبری می کرد، تمام قدرت حکومتی را در سال ۲۰۰۴ به حکومت موقت عراق، که بر اساس قوانین اجرایی انتقالی شکل گرفته بود، واگذار کرد.

تحت این قوانین، انتخاباتی برای تعیین ۲۷۵ نفر از اعضای مجمع ملی انتقالی در سال ۲۰۰۵ برگزار شد و با تصویب نمایندگان مجلس در سال ۲۰۰۶ اغلب وزرای کابینه دولت عراق مشخص شدند تا حکومت موقت را به دولت پایدار و دائمی تبدیل کنند. در ساختار سیاسی عراق مدتی آمریکایی ها در رأس امور بودند و پس از آن قدرت به دست یک حکومت شورایی سپرده شد (نامی، محمدپور، ۱۳۸۷: ۳۱۰).

بعد از انتخابات و با پیروزی اکثریت شیعه، دولت نوری المالکی تشکیل شد. طبق سهمیه انتخاباتی ائتلاف یکپارچه عراق حداقل باید ۱۴ وزارتخانه را در اختیار گرفت، که سه منصب آن کلیدی خواهند بود (ترجیحاً وزارتخانه های کشور، نفت و دارایی). سهم کردها ۷ وزارتخانه بود که یک منصب آن کلیدی است (وزارت خارجه) اهل سنت نیز به همراه لیست علاوی به ۹ وزارتخانه دست پیدا کردند که یک منصب آن کلیدی بود (وزارت دفاع) و این در صورتی خواهد بود که منصب ریاست جمهوری را برای کردها بپذیرند. دو وزارتخانه نیز به اقلیت های آشوری و ترکمان رسید. بنابراین در دولت نوری المالکی که همه احزاب و گروه ها حضور

داشتند، شیعیان بیشترین سهم را از آن خود کردند و کردها بعنوان دومین گروه بزرگ عراقی در این زمینه بعد از شیعیان قرار گرفتند (همان، ۳۱).

موقعیت اجتماعی

جمعیت

میزان جمعیت عراق در دوران های مختلف افت و خیزهای فراوانی داشته است. در سرشماری بعمل آمده در سال ۲۰۱۱، جمعیت کشور عراق ۳۰۳۹۹۵۷۲ میلیون نفر برآورد شده است (www.CIA.com/ world/ Factbook; 2011).

نزدیک به ۷۰ درصد از جمعیت کشور عراق در مناطق شهری زندگی می کنند و علت آن را نیز می توان بروز جنگ های مختلف بیان نمود. تراکم جمعیت در کشور عراق یکسان نیست، استان بغداد با ۷۴۵ نفر در کیلومتر مربع دارای بالاترین تراکم جمعیت و استان المثنی با ۶/۱ نفر از کمترین تراکم جمعیت برخوردار است. بیشترین شهرهای بزرگ در حاشیه رودخانه ها و عمده ترین تراکم سکونت روستایی در مناطقی است که دسترسی بیشتری به آب رودخانه ها در مصرف کشاورزی است، وجود دارند (فب مار، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

وضعیت قومی - نژادی

کشور عراق از دو قومیت غالب نژادی عرب و کُرد تشکیل شده است. حدود ۷۶ درصد جمعیت کشور عراق از نژاد عرب بوده و حدود ۱۹ درصد از نیز کُرد می باشند. باقیمانده نژاد از ترکمن ها، آشوری ها و ارمنی ها محسوب می شوند.

کُردها با جمعیت ۴/۱ میلیون نفر ساکن در منطقه ای به گستردگی خانقین در جنوب تا مرز ترکیه در شمال کشور، بزرگ ترین اقلیت نژاد عراق است که اکثریت جمعیت را در استان های اربیل، دهوک و سلیمانیه را تشکیل می دهد. اگر چه اکثریت جمعیت اطراف کرکوک نیز کُرد است اما دولت به لحاظ وجود منابع نفتی آن، این موضوع را تایید نمی کند (احمدی، ۱۳۸۴: ۶۸، ۶۹).

هرچند هم اکنون نیز قبایل با نفوذی چون هرکی، سُرچی و زیباری دارای حیات اجتماعی می باشند که در کنار وابستگی های قبیله ای حزب دمکرات کردستان فرآیند نیروهای سیاسی کُرد عراق است. در گستره این منطقه از اطراف کرکوک و امتداد آن به سمت جنوب تا خانقین، افراد (قبیلی) زندگی می کنند که در تفاوت با اکثریت کُرد عراق، دارای مذهب شیعه جعفری

هستند. عناصر سیاسی گُردهای فیلی بیشتر وابسته به اتحادیه میهنی کردستان هستند. شغل بیشتر آنان دامداری، کشاورزی و باغداری است. زبان کُردی، زبان رسمی آنها بوده و دارای گویش های متفاوتی است که در بین آنها کرمانجی از رسمیت بیشتری در نوشتار و گفتار برخوردار است. زبان سورانی بیشتر در نواحی مرکز کردستان متداول است.

جنگ طولانی بین عرب و کُرد در عراق باعث گردیده تا ادبیات کُردی سبک مبارزاتی خاصی پیدا کند. گُردهای یزیدی، اقلیت دیگر در عراق هستند که از سایر اکراد جدا و به کار کشاورزی و دامپروری فقیرانه مشغول می باشند (سیف زاده، ۱۳۷۸: ۷۱).

ترکمن ها که بیشتر آن ها سُنی هستند ۲ درصد از کل جامعه عراق را تشکیل می دهند که بیشتر در نواحی روستایی مرز بین کُرد و عرب زندگی می کنند و جمعیت کمی از آن در شهر اربیل ساکن هستند (فبمار، ۱۳۸۰: ۳۱). آشوریان ۱ درصد از جمعیت عراق را تشکیل می دهند که به زبان آرامی تکلم نموده و دین آنها نیز مسیحی است و در کنار اقلیت آشوری جمعیت کمی هم ارمنی زندگی می کنند (بیگدلی، ۱۳۶۸: ۱۱۵).

دین و مذهب

اسلام دین رسمی کشور عراق است. ۹۵٪ مردم این کشور مسلمان و پیرو دین اسلام هستند که به دو مذهب شیعه و سُنی تفکیک شده است. آمار شیعیان را تا حدود ۶۵ درصد برآورد کرده اند و ۳۰ درصد نیز به سُنی های عرب و اکراد اختصاص دارد. ۵ درصد باقی مانده را هم ادیان مختلف، از جمله مسیحی، آشوری، کلدانی و ... تشکیل داده اند.

عرب شیعه؛ شیعه معتقد به امامت است که با حضرت علی (ع) شروع و به امام دوازدهم مهدی (عج) ختم می شود. مذهب شیعه همچون مذهب اهل سُنت به شاخه های یزیدی، اسماعیلی و جعفری تقسیم می شوند که در این میان، مذهب جعفری رسمیت بیشتری در جهان شیعه دارد.

عرب های سُنی؛ اهل سُنت، امام علی (ع) را خلیفه چهارم دانسته و به چهار مکتب (حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی) که هر یک تفسیر متفاوتی از قرآن دارند تقسیم می شوند: بیشتر اعراب سُنی در عراق پیرو مکتب حنفی می باشند. گُردها پیرو مکتب محمد شافعی هستند و دو مکتب حنبلی و مالکی که در عراق پیروان چندانی ندارند (همان، ۱۱۰).

ساختار و نظام حکومتی عراق جدید

براساس قانون اساسی عراق، نظام حکومتی این کشور جمهوری فدرالی دموکراتیک و تکثرگرا است و قدرت در آن بین حکومت فدرال، دولت های منطقه ای (مرکزی - شمالی - جنوبی)، استان ها، شهرها و ادارات محلی تقسیم گردیده است. نظام فدرالی بر اساس واقعیت های جغرافیایی، تاریخی و جدایی بین قوا است نه بر اساس نژاد یا مذهب یا قومیت. برابر قانون اساسی، حکومت عراق مرکب از یک مجمع ملی و شورای ریاست جمهوری و شورای وزیران به همراه نخست وزیر و قوه قضاییه است.

با توجه به این که با شروع کار مجلس عراق که بر اساس قانون اساسی باید اولین نشست آن ۱۵ روز پس از اعلام نتایج باشد، انتخاب رئیس جمهور، نخست وزیر و اعضای هیات دولت عراق یکی از وظایف مهم و اولیه مجلس پس از انتخاب رئیس مجلس و معاونان وی است. در مجلس نمایندگان (فدرال) عراق هر ۱۰۰ هزار نفر یک نماینده خواهند داشت و اعضای آن، نمایندگی مردم عراق را به طور کلی به عهده خواهند داشت. مدت نمایندگی هر دوره چهار سال است و در هر حالت باید ۲۵ درصد از کرسی های آن به زنان اختصاص داده شود. وظیفه مجلس نمایندگان، وضع قوانین فدرال، نظارت بر عملکرد قوه مجریه، تصویب معاهده ها و توافقنامه های بین المللی، انتخاب رئیس جمهور، استیضاح رئیس جمهور، رأی اعتماد به نخست وزیر و وزیران موافقت با اعلان جنگ و حالت فوق العاده ... است (نامی، محمد پور، ۱۳۸۷، ۲۹۴: ۲۹۵).

براساس قانون اساسی رئیس جمهور، رئیس کشور و نماد وحدت ملی و حاکمیت کشور اعلام شده و برای تضمین پایداری به قانون اساسی و حفظ استقلال عراق، حاکمیت وحدت و تمامیت ارضی آن بر اساس احکام این قانون تلاش و توجه جدی بخرج دهد. نمایندگان مجلس می توانند با اکثریت مطلق رئیس جمهوری را استیضاح کنند. رئیس جمهوری و نخست وزیر همچنین می توانند براساس درخواست مشترک از مجلس، اعلام جنگ یا برای مدت ۳۰ روز حالت فوق العاده در کشور اعلام کنند و این امر نیز در صورت رای دوسوم از نمایندگان اعتبار دارد و حالت فوق العاده قابل تمدید است (همان، ۲۹۸).

بخش سوم: روند سلفی‌گری در عراق

به لحاظ تاریخی نخستین سازمان های سلفی‌گرا در عراق را باید تابعی از گسترش ساختار اخوان المسلمین مصر در دوران معاصر دانست که تحت تأثیر آن شاخه های عراقی اخوان از جمله حزب اسلامی عراق، اتحاد علمای مسلمان کردستان، اتحاد اسلامی کردستان و جمعیت علمای مسلمین پدید آمدند. البته تاریخ شکل‌گیری قدیمی‌ترین اینها با قدمت بیشتر به اواسط دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ بر می‌گردد. این تشکلات به تبع اخوان المسلمین در ردیف گرایشات معتدل سلفی به شمار می‌آیند هر چند مواضع و دیدگاه های آن در مقاطع مختلف و بین النسل ها متنوع و متغیر می‌باشد. این تنوع و تکثرگاه در درون یک شاخه به مانند مصادیق عراقی اخوان نیز نمودار می‌شود. همچنانکه حزب اسلامی عراق در شورای حکومت انتقالی که از سوی آمریکا تشکیل شده بود مشارکت نمود. حال آنکه برخی دیگر از اخوانی‌های عراقی راه مسلحانه را در پیش گرفته و بسیاری دیگر موضع ضد اشتغال اتخاذ نمودند. در این روند می‌توان دهه ۸۰ م را نقطه عطفی در شکل‌گیری سازمانی شاخه های افراطی سلفی در عراق دانست چرا که طی آن مهمترین آنها یعنی «الجیش الاسلامی الکردستانی» در سال ۱۹۸۰ اعلام موجودیت کرد و در سال ۱۹۸۸م تشکیل جدیدی متأثر از اخوان المسلمین البته با رویکردی افراطی به رهبری شیخ عثمان بن عبدالعزیز شکل گرفت. سپس جماعت جندالاسلام از آن جدا شد، اما در سال ۲۰۰۱م، سه گروه متشکل از جندالاسلام، حماس الکردیه و حرکه التوحید تشکیل واحدی را به نام انصارالاسلام تشکیل دادند که الگوی عقیدتی آن عمدتاً نمونه های سلفی سعودی بودند. به رغم پیدایش گروه های سلفی‌گری افراطی در عراق طی دهه ۱۹۹۰م فعالیت قابل توجهی از این گروه ها به جز گروه انصارالاسلام تا پیش از سال ۲۰۰۳م در دسترس نیست. در این میان اشغال عراق توسط آمریکا در آوریل ۲۰۰۳م نقطه عطفی در تاریخ فعالیت گروه‌های سلفی در عراق به شمار می‌رود که از لحاظ گستردگی و تأثیرگذاری قابل مقایسه با دوره های پیش از آن نیست. اعلام موجودیت و شروع فعالیت گروه های مسلح سلفی‌گرا مانند منظمه الجهاد، جماعه ابناء الاسلام، مجاهدوا حدیثیه، مقاتلو الجهاد و جیش محمد، المجموعه السلفیه المجاهده، تنظیم القاعده فی بلاد الرافدین (التوحید و الجهاد)، الجیش الاسلامی فی العراق (بعثی)، الجبهه الاسلامیه للمقاومه العراقیه، جیش الراشدین، جیش الطائف المنصوره و جیش المجاهدین تنها بخشی از فهرست بلند و طولانی و بعضاً با گرایشات غیر دینی و بعثی هستند که در این دوره پدید آمده و عمدتاً فعالیت خود را از مناطق سنی نشین عراق (مانند الانبار) آغاز کردند (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۱).

هنوز ارزیابی دقیق و منطقی از میزان حضور این جریان‌ها یا شبکه‌های اقماری و کم و کیف ساختار سازمانی و ظرفیت عملیاتی نظامی آنها وجود ندارد اما بی تردید اشغال عراق توسط آمریکا این فرصت را برای سلفی‌های بیرونی فراهم نمود که خود را در صف مقدم شورشی‌های عراق قرار دهند. هر چند بخشی از این گروه‌ها، سلفی‌های بومی بودند، اما تفکیک آنها از سلفی‌های خارجی کار بسیار دشواری است. بخصوص که تعارضات ساختاری عراق تأثیر بسزایی در پیچیدگی تحولات آن ایفا می‌نماید (گلچین، ۱۳۸۸: ۹). مجموع این شرایط موجب شد عراق به تدریج در مقطع مذکور، به کانون اصلی رشد و نمو سلفی‌های افراطی و در نهایت به جنبه مرکزی القاعده به رهبری ابومصعب زرقاوی (۱۹۶۶ - ۲۰۰۶) تبدیل گردد. زرقاوی بعد از انتقال به عراق هدف گروه‌های سلفی را به اخراج نیروهای اشغال‌گر از عراق محدود نکرد، بلکه عراق را همچون میدانی ترسیم نمود که در امتداد جنگ جهانی سلفی‌ها علیه آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن بود (کیوان، ۲۰۰۸: ۱۸۷). استراتژی طیف افراطی جریان سلفی‌گری در عراق مبتنی بر ایجاد جنگ تمام عیار بین گروه‌های شیعی و اعراب سنی با کشاندن شبه نظامیان شیعی نظامیان شیعی به واکنش نظامی و در نهایت شکست روند سیاسی جدید و اخراج نیروهای خارجی استوار بود. در همین زمینه تلاش شد با تحریک سنی‌ها و شیعیان علیه یکدیگر زمینه‌های لازم برای ایجاد جنگ داخلی مهیا شود (مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹: ۱۰۱) البته تلاش سازماندهی شده آنها تا حد زیادی موفقیت آمیز بود و توانستند منازعات مذهبی را به مسئله اول و اصلی مسلمانان و نخبگان جهان اسلام تبدیل کنند. در پیش‌بینی رهبران القاعده عراق این موضوع نیز لحاظ شده بود که جنگ داخلی فرقه‌ای در این کشور به تدریج به تمام منطقه خاورمیانه گسترش یابد (اسدی، ۱۳۸۷: ۲۳۹).

بررسی روندی این سابقه تاریخی نشان می‌دهد عراق از زمان پیدایش کوتاه مدت تا به امروز به رغم اینکه طی قرون متمادی حاکمیت حکام سنی مذهب را تجربه کرده اما تقلای جریان سلفی‌گری برای تسلط بر آن همواره با چالش و ناکامی مواجه شده و در جامعه نسبتاً متکثر عراق نه تنها اختلاف منازعه آمیز و پرشدت مذهبی تداوم نداشته است، بلکه تقریباً هیچ عشیره‌ای در عراق نیست که هر دو مذهب شیعه و سنی را نداشته باشد. در واقع پیگیری روند تاریخی جریان سلفی‌گری تا دوره معاصر رهنمون این ملاحظه مهم و اساسی است که حضور این جریان بخصوص شاخه افراطی آن با اینکه عمدتاً پدیده تحمیلی در عراق است اما پس از سال ۲۰۰۳ در تلاقی سازمان یافته با مدارهای دیگر سلفی قرار گرفته و از ظرفیت بیشتری برای تأثیرگذاری برخوردار شده بود (جعفری، ۱۳۸۶: ۳).

اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳، نام افرادی را بر سر زبان ها انداخت که رویکرد خطرناک طایفه گری و تلاش برای ایجاد جنگ مذهبی در این کشور را در پیش گرفتند. بر کسی پوشیده نیست که اکنون نیمی از عملیات انفجاری و تقریباً تمام عملیات انتحاری در عراق را جریان موسوم به سلفی جهادی انجام می دهد. گروه های موسوم به سلفی جهادی از جمله مهمترین پدیده های آشوب و ناآرامی ها پس از اشغال عراق هستند، گرچه عراق در یک قرن گذشته هرگز روی ثبات را ندیده است، اما شکل گیری و فعالیت این نوع سازمان ها و گروه ها که از آبشخور طایفه ای تغذیه و بر پایه های مذهبی افراطی رشد و نمو می یابند در تاریخ این کشور کم سابقه و حتی بی سابقه است (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۵/۲۷).

پارامترهای مختلفی در شکل گیری این گروه ها و قدرت گرفتن آنها در عراق دخیل می باشد که حد فاصل تبلیغات مبلغان وهابی تا فعالیت محرمانه سازمان های اطلاعاتی منطقه ای و بین المللی را می توان در آن دخیل دانست. به اعتقاد کارشناسان گرچه شعارهای این جریان سیاسی - اسلامی است، اما هدف اصلی آنها مذهبی فرقه ای است و این هدف را در ابعاد گسترده ای در عراق دنبال می کنند. (همان)

به دلیل ارتباط گسترده گروه های سلفی در عراق با مدارهای بیرونی درک تأثیرات آن در هم پوشانی و هم افزایی آنها با یکدیگر ممکن است. به عبارت دیگر ویژگی تأثیرگذار سلفی های حاضر در عراق این است که در حوزه بسیار گسترده و مهمی اتفاق می افتد که در آن میان قابلیت ها و توانمندی های بالقوه اهل سنت و تهدیدزایی آنان رابطه وجود دارد. یعنی مجموعه پتانسیلی که امروزه در اختیار اهل سنت قرار دارد امکان تبدیل آنان را به نیروی عظیم با دو قابلیت متفاوت فرصت ساز یا تهدیدزا فراهم می کند (اکبرپور، ۱۳۷۶) از دیدگاه سلفی ها امکانات و قابلیت های عظیم اهل سنت به مثابه عقبه مناسب و بی پایانی قلمداد می شوند که می تواند به منزله عامل تفوق و مزیت سیاسی جریان های سلفی در برابر ایران به کار گرفته شوند. پدیده ای که به اعتراف پدر معنوی زرقاوی برای اولین بار با کمک رژیم های عربی در جنگ عراق علیه ایران باب شد (المقدسی، ۲۰۰۸) این مدارهای بیرونی و حامیان سلفی، دایره وسیعی را در بر می گیرد که از آن جمله می توان به تلاش کشورهای عربی برای تضعیف شیعه و تقویت جایگاه اهل سنت در عراق اشاره کرد (اچرس، ۲۷:۱۳۸۸).

علاوه بر این سلفی گری به دلیل فقدان نظام معرفتی منسجم طیف گسترده ای را شامل می شود که اختلاف نظر و نزاع آنها با یکدیگر کمتر از نزاع آنها با غیر سلفی ها نیست. همچنان که گروه الجهاد

به رهبری ایمن الظواهری اخوان المسلمین را در شما کفار قرار داد حتی اختلافات منازعه آمیز گاه در درون یک شاخه پدید می‌آید. این بدان معناست که مولفه‌های زیر لزوماً درباره همه سلفی‌ها صادق نیست. از این رو تأثیرات و مولفه‌های مورد نظر بیشتر در قیاس با جریان‌های شاخص سلفی‌گری همچون شاخه عراقی القاعده پیگیری شده‌اند که پس از سال ۲۰۰۳ به اصلی‌ترین بازیگر غیر دولتی در عراق تبدیل شد و ضمن مخالفت با روند سیاسی رویکرد مسلحانه و خشونت آمیزی را اتخاذ نمود (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۱۰).

بخش چهارم: تبعات ایدئولوژیکی گروه‌های سلفی بر جمهوری اسلامی ایران

تقابل سلفی‌هایی مانند القاعده به عنوان گروه افراطی برگزیده و پیشتاز تبعات ایدئولوژیکی را بر ایران تحمیل نموده است:

۱) در بعد منطقه‌ای و جهانی به نظر می‌رسد سلفی‌گری سیاسی ابعادی از منافع ملی جمهوری اسلامی را با تهدید مواجه می‌سازد که می‌توان آن را منزلت ایدئولوژیک نامید. به این معنا که مهمترین مزیت جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی منطقه مقام و منزلت ایدئولوژیک آن در بین مسلمانان و حتی غیر مسلمانان است (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۴۲). این جایگاه مثبت از مهمترین رهاوردهای انقلاب اسلامی است که دست کم از جنبه معنوی به امت اسلامی وحدت سیاسی می‌بخشد. بطور حتم تداوم منزلت ایدئولوژیک و ارتقای آن منوط به تضعیف شکاف‌های سنی - شیعه و عرب - عجم در برابر تضاد اسلام - غرب و اسلام - صهیونیسم است.

تهدید سلفی‌گری به چند دلیل عمده این منزلت را مخدوش و معادله فوق را معکوس می‌کند: اولاً با دستاوردهای مذهبی، همزیستی میان شیعه و سنی در منطقه را به شدت به مخاطره می‌اندازد. ثانیاً شکاف سنی - شیعه را در برابر شکاف اسلام و غرب تقویت می‌کند. از این منظر رویکرد سلفی‌گری در تلافی با جهت‌گیری قدرت‌های غربی - صهیونیستی قرار می‌گیرد به جای خط مشی وحدت‌گرایانه اختلاف و واگرایی را توسعه می‌دهد. دلیل سوم اینکه در صورت اوج گرفتن این شکاف احتمالاً منافع مشترکی بین ایران و آمریکا در منطقه ایجاد می‌شود که ممکن است دو طرف را به همکاری پیرامون این منفعت مشترک ترغیب نماید. در این صورت مرز ترسیم شده میان جمهوری اسلامی و آمریکا به ویژه در تحلیل‌های عوامانه مخدوش می‌شود که بیش از هر چیز دیگری به منزله تضعیف شأن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در بعد منطقه‌ای است (همان)

۲) یکی دیگر از وجوه تمایز انقلاب اسلامی با سایر جنبش های سیاسی معاصر توانایی ایدئولوژیک آن است. یعنی علاوه بر اینکه پیام و ایدئولوژی سعادت بخشی را برای نهضت های مردمی به ارمغان آورد. راهبردهای قدرت های غربی در منطقه را به چالش سرنوشت سازی کشاند. انقلاب اسلامی با چنین ظرفیتی مبنای تحولات جدید اجتماعی - سیاسی در قالب ضدیت با استعمار غربی شد به نحوی که امروزه حتی این انقلاب در نظر غیر مسلمانان به نماد قدرتمند و افتخار آمیزی برای مبارزه با امپریالیسم و استکبار جهانی تبدیل شده است. این توان الهام بخش انقلاب اسلامی در حوزه جهان اسلام چشم انداز جدیدی ایجاد نمود و از جمله موجب شد جنبش های آزادی بخش در این حوزه چه به لحاظ ماهیت و راهبرد و چه به لحاظ تاکتیک و عناوین و شعارها تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی قرار گیرند. نمونه آن تفاوت ماهوی جهت گیری جنبش های آزادی بخش فلسطینی در قیاس با قبل از انقلاب اسلامی است. همچنین جهان اسلام به تأثیر از انقلاب اسلامی از رخوت و انفعال چندین قرنی خارج شده و با ظهور بیداری اسلامی جهان اسلام به مرور به عمق استراتژیک سیاست خارجی ایران تبدیل شد و ظرفیت های جدیدی را در راستای افزایش توان ملی ایران ترسیم نمود. گروه های سلفی بنا بر مبنای فکری خود و اقتضانات آن نتوانستند افزایش نفوذ ایران در قالب فضای حیاتی را تحمل کنند. فضایی که فراتر از فضای سرزمینی و فیزیکی با ورود به عرصه های فرهنگی و ایدئولوژیکی توان فائقه و فزاینده ای را نصیب جهان اسلام و سیاست خارجی ایران می نماید. در نگاه سلفی ها تداوم این وضع به منزله بر هم خوردن توازن قدرت در جغرافیای سیاسی منطقه به نفع جریانی است که سابقه دیرینه ای از اختلافات ایدئولوژیک با آن دارد. بنابراین این جریان با تکیه بر شکاف مذهبی و فرهنگی سعی می کند ضمن کاستن از توان الگوی سیاست خارجی ایران در پروسه نفوذ منطقه ای و احیاناً جهانی آن اختلال نماید. ظهور عینی این مسأله در تحولات پس از ۲۰۰۳ م پدیدار شده و در قالب چالش های پایدار بخشی از توان سیاست خارجی ایران را در عراق و منطقه به تحلیل می برد (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۱۳).

مهم ترین پیامدهای امنیتی سیاسی گسترش سلفی گری در عراق از رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱. یارگیری نهادهای جاسوسی مخالف نظام از پیروان سلفی گری

نگاه سطحی به دورنمای آسیب های نرم افزاری ناشی از تحرکات وهابیون در ایران می تواند این فرقه ضاله را به گروه فشار یا ابزار جاسوسی برخی کشورهای منطقه تبدیل کند، که بایسته

است مورد توجه نهادهای اطلاعاتی امنیتی قرار گیرد، بویژه اینکه، یکی از اهداف راهبردی حامیان این فرقه تأسیس یا نفوذ بر مدارس مذهبی اهل سنت، بویژه در استان های مرزی در جهت ترویج عقاید ضد شیعی است.

یکی دیگر از تدابیر مدیریت امنیت نرم افزاری در حوزه تهدیدهای فرقه ای، آسیب شناسی گسترش تفکرات سلفی گری و تأثیر آن بر شکل گیری سازمان های تروریستی واقع در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران است (دلاورپور، ۱۳۸۸: ۱۰).

۲. افزایش پتانسیل شکل گیری گروهک های تروریستی ضد شیعی نزدیک به سلفی گری

وهابیون امارات و عربستان با سرمایه گذاری بر مدارس مذهبی اهل سنت پاکستان و ترویج تفکرات وهابیت می توانند در آینده، زمینه ایجاد و افزایش سازمان های مسلحانه فرقه ای را بوجود آورند، که با توجه به پارادوکس عقیدتی سیاسی آنان با حکومت شیعی جمهوری اسلامی ایران می تواند زمینه شکل گیری برخی تهدیدهای نرم در حوزه اندیشه را فراهم آید.

۳. تضعیف وحدت ملی

با توجه به نقش مذهب به عنوان یکی از ریشه های وحدت ملی، متولیان امر بایستی تهدیدهای نرم ناشی از فعالیت های تبلیغاتی فرقه های ضاله، بویژه وهابیت و سلفی گری در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در قالب مدیریت استراتژیک امنیت ملی آسیب شناسی کنند.

۴. تضعیف شاکله همبستگی فکری عقیدتی جهان اسلام

یکی از ترفندهای ناتوی فرهنگی این است که آنها اقدام ها و تفکرهای خصمانه وهابیون را به اهل سنت تعمیم می دهند تا ضریب وحدت شیعه و سنی را کمرنگ کنند؛ زیرا زیربنای عقیدتی پیروان اهل سنت و مذاهب فقهی شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی با مرامنامه گروه تکفیری وهابیت متفاوت است (همان، ۱۱).

پیروان شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی از مذاهب فقهی اهل تسنن هستند، که با مرامنامه تکفیری عقیدتی وهابیون متفاوت است. به عنوان مثال: وهابیون، شیعیان را به عنوان کافر معرفی می کنند، در حالی که پیروان اهل سنت چنین دیدگاهی را نسبت به شیعیان ندارند.

۵. شکل‌گیری برخی تنش‌های فرقه‌ای در استان‌های مرزی

یکی از تهدیدهای راهبردی، رخنه فرقه ضاله وهابیت این است که می‌تواند در بازه زمانی برنامه پنجم پتانسیل وقوع برخی تنش‌های فرقه‌ای را در استان‌های سنی‌نشین غربی و جنوب غربی جمهوری اسلامی ایران، مانند کردستان و خوزستان بوجود آورد (همان، ۱۲).

بخش پنجم: تاثیر سلفی‌گری در عراق بر قومیت‌ها و امنیت جمهوری اسلامی ایران

تعریف مشخص از امنیت و ترسیم مرزهای مفهومی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این امر بدون در نظر گرفتن آموزه‌های دینی و فرهنگ بومی امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر، باید ضمن نگرش مجدد به میراث اسلامی، روایت نوینی از مفهوم و مولفه‌های امنیت تدارک نمود. و فراتر از آن، تبیین مرزهای متداخل مفهومی امنیت ملی با سایر مفاهیم، شناسایی امکانات و محدودیت‌های محیطی و دست‌یابی به زمینه‌های نظری و عملی امنیت ملی کارآمد و مطلوب باید در ردیف نیازهای اولیه کشور محسوب شود. در حال حاضر که ایران اسلامی دوران بسیار حساس توسعه سیاسی و اقتصادی را سپری می‌کند و بازتاب انقلاب عظیم آن، چالش‌های فکری و نظری گسترده‌ای را در عرصه اندیشه، مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی داشته است، شایسته است مفهوم امنیت و نحوه ارتباط آن با مفاهیمی؛ مانند: عدالت، آزادی، مشارکت سیاسی و نظایر آن، بر اساس فرهنگ غنی اسلامی مطالعه گردد. هر چند در این زمینه تحقیقات ارزشمندی انجام گرفته است؛ اما همچنان مطالعات حوزه مفهومی امنیت ملی ناکافی به نظر می‌رسد و نیازمند تحقیقات گسترده‌تری می‌باشد. تاکید مقام معظم رهبری برای وحدت ملی و امنیت ملی، فرصت مناسبی برای بسیج امکانات ملی در پرداختن به این امر حیاتی می‌باشد. اگر چه درباره ضعف مفهومی امنیت ملی به ویژه در جمهوری اسلامی ایران عوامل متعددی را می‌توان مطرح نمود که تبیین آن‌ها، نیازمند مطالعه و بررسی همه‌جانبه‌ای می‌باشد؛ اما به صورت خلاصه می‌توان سه مورد را مورد اشاره قرار داد:

الف - ابهام و گستردگی مفهوم امنیت ملی

ب - ضعف مفهومی در مفاهیم دیگر

ج - ادراکی و ذهنی بودن امنیت ملی (سرمقاله، ۱۳۷۹: ۵).

۱- کردها

زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه های گوناگون تحت تاثیر شکاف های اجتماعی و نحوه ی صورت بندی آن شکاف ها قرار دارد. نوع و شمار شکاف های اجتماعی و نحوه ی صورت بندی یا ترکیب آنها، باعث تنوع جامعه شناختی کشورها می شود در بررسی شکاف های اجتماعی باید به تنوع جغرافیایی و تاریخی توجه به این معنی که نوع، شمار و نحوه ی صورت بندی شکاف های اجتماعی بر حسب عوامل گوناگون از جامعه ای به جامعه دیگر در درون هر کشور تغییر می کند. برحسب چنین تنوعاتی می توان شکاف های اجتماعی را به شکاف های فعال یا غیر فعال تقسیم کرد. شکاف های اجتماعی وقتی فعال می شود که بر پایه آن گروه بندی های سیاسی تکوین یابد. در زمانی که شکاف های غیر فعال به شکاف فعال تبدیل می شود، بسیج اجتماعی نیز شکل می گیرد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۹-۱۰۰).

ظهور اسلاميون تندرو دز كردستان ايران تحت عنوان «سلفیه» پیشینه تاریخی دیرینه ای ندارد. ولی در سال های اخیر و بویژه پس از سال ۱۳۸۰ و سقوط طالبان در افغانستان، انتشار گزارش هایی مبنی بر فعالیت جریان سنی - سیاسی - «سلفی های کرد» و ضدیت آن با ملی گرایی کرد و تبلیغ شدید علیه مذهب تشیع، حضور این جریان و پیامدهای گسترش آن را به عنوان یکی از چالش های پیش روی مناطق کردنشین که عمدتاً سنی مذهب هستند، آشکار می سازد. جنبش اسلامی كردستان عراق بزرگترین جنبش اسلامی كودی در عراق است كه بخشی از جبهه كردستان محسوب می شود. این جنبش در انتخابات عراق نیز شرکت کرد و پس از دو حزب اصلی كردستان (حزب دموكرات كردستان و اتحادیه میهنی كردستان) جایگاه سوم را به خود اختصاص داد. این جنبش روابط بسیار خوبی با جنبش های اسلامی در دیگر كشورها برقرار کرده بود (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

این امکان وجود دارد که اسلام گرایان دو کشور عراق و ترکیه در کنار هم جمع شوند، به گونه ای که منافعی در آینده داشته باشند. چنین تحولاتی باعث نگرانی شدید آنکارا و تهران خواهد شد. می توان گفت اسلام گرایان کرد مواضع ضد امریکایی ضعیفی دارند، چون به غرب به عنوان حامی خواسته ها و آرمان های کرد در زمینه خود مختاری نگرسته می شود (فولر، ۱۳۸۴: ۴۹-۵۱).

یکی از مهمترین ویژگیهای ساختار جدید عراق، فدرالی بودن آن است که باعث تقسیم شدن مسئولیتها و اختیارات دولت و کاهش وظایف و قدرت دولت مرکزی می شود. ساختار جدید

دارای تاثیرات چند گانه داخلی و خارجی است از منظر فدرالیسم باعث افزایش قدرت مانور و فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی گروه های داخلی عراق می شود. افزایش خود مختاری کردها در شمال عراق می تواند تاثیرات منفی برای همسایگان در پی داشته باشد. از جمله این تاثیرات می توان به تحرکات سیاسی کردها و افزایش مطالبات فرهنگی و سیاسی آنها از دولت مرکزی ایران اشاره کرد. از این رو چارچوب فدرالی جدید در عراق و افزایش و خودمختاری کردها در این کشور در حالت حداقلی آن باعث افزایش مطالبات سیاسی و فرهنگی کرد های جمهوری اسلامی ایران از دولت مرکزی و در حالت حداکثری آن باعث همگرایی و تحریک بیشتر کردهای عراق، ایران، ترکیه، و سوریه برای ایجاد کردستان بزرگ می شود (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۵۱).

با توجه به روابط تاریخی کردها و صهیونیست ها و نگرانی آنها از آینده عراق، عملا پس از اشغال عراق، صهیونیست ها در کردستان عراق مستقر شدند و با مهندسی تفرقه و فتنه مذهبی سعی در تضعیف توان شیعه و سنی و دامن زدن به اختلافات بین آنها و در نتیجه در گیر کردن شیعه و سنی در منطقه داشتند و در این راه از هیچ تلاشی فرو گذار نکردند و از طرفی با وعده های بسیار به گروه های کردی عراق، منطقه امن خود را در کردستان عراق قرار دادند و در پوششهای تجاری و مهندسی عناصر امنیتی خود را در منطقه مستقر کردند (همان).

۲- اعراب خوزستان

خطه جغرافیایی خوزستان استراتژیک ترین قلمرو ملی است. حتی می توان این خطه را در شمار یا بخشی از قلمرو های حساس جهان بحساب آورد. موقعیت و توانمندی های استراتژیک^۱، ژئوپولیتیک^۲ و به ویژه ژئواکونومیک^۳ خوزستان، بستر و زمینه ادعاهای سرزمینی بیگانگان به ویژه عراق را نسبت به تمامی یا بخشی از این استان مهیا کرده است. اندوخته ها و ذخیره های گرانبهای هیدروکربنی این منطقه، توانمندی های کلان مقیاس آب شیرین، موقعیت ممتاز کرانه ای و استقرار پایانه های اصلی وارداتی کشور در کرانه های آن، گستره خاک های مناسب و مفید برای کشت های صنعتی، جمعیت مناسب و پراکنش جغرافیایی به نسبت متعادل آن، هم مرز بودن با سه کشور عربی حوزه خلیج فارس، شبکه های خوب و بهینه ارتباطی هوایی، زمینی، ریلی و لوله ای در مقیاس ملی، کوتاه تر بودن فاصله کرانه هایش

1. Geostrategic
2. Geopolitic
3. Geoeconomic

تا تهران نسبت به دیگر استان های ساحلی شمال خلیج فارس و هموار بودن، خوزستان را به کامل ترین و استراتژیک ترین استان ایران تبدیل کرده است. (کریمی پور، ۱۳۸۳: ۲).

این چشم انداز ویژه خوزستان در مقیاس ملی و حتی در منطقه خلیج فارس انگیزه طمع عراق برای تجزیه خوزستان و سیاست الحاقی اش بوده است. دولت های عراق همواره برای حل تنگنای دسترسی نامناسب دریایی به دو بال خاوری و جنوب خاوری خود یعنی خوزستان و کویت فشار وارد کرده اند؛ چنان که در سده بیستم میلادی، چند بار در صدد تجزیه این استان از ایران برآمده اند. طرح تجزیه خوزستان در زمان شیخ خزعل، طرح تجزیه خوزستان در سال ۱۳۳۸، طرح تجزیه خوزستان در سال ۱۳۴۳، و سرانجام طرح تجزیه خوزستان در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مهم ترین این طرح ها بوده اند. (همان، ۳).

فعالیت جریانات ناسیونالیسم قومی عربی

بعد از پایان جنگ تحمیلی در نتیجه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و برگشت وضعیت عادی به استان خوزستان و رجعت مهاجرین جنگی از سراسر کشور به مناطق جنگزده و احیاء احساسات و هیجان های قومی عشیره ای در برخی حوزه ها، زمینه فعالیت گروه های قومیت گرا در میان توده های محروم استان در شرایط خاص دوره بازسازی و سازندگی مناطق جنگی و رویکرد سریع توقعات فزاینده مردم مهاجری که به استان برگشته بودند، فراهم گردید، لذا دو جریان «عرب گرای تجزیه طلب» و «عرب گرای هوادار فدرالیسم» (یک کشور چند ملیتی) فعال شدند. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۵)

۱- جریان عرب گرای تجزیه طلب: این جریان از سوی دو گروه «جبهه العربیه التحریر الاهواز» و «حرکت التحریر الوطنی الاهوازی» طرح ریزی و پی ریزی می شود. «جبهه التحریر» در سال ۱۳۴۲ با هدف جدایی از ایران به وجود آمد و تا ۱۳۵۳ (۱۹۷۵) تحت حمایت رژیم عراق فعال بود و بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ م. الجزایر بین رژیم ایران و عراق، این جبهه به لیبی رفته، ولی با پیروزی انقلاب مجدداً تحت حمایت رژیم بعث عراق وارد فعالیت قومی علیه جمهوری اسلامی در خرمشهر و خوزستان شد.

گروه «حرکت التحریر الوطنی الاهوازی» در سال ۱۹۸۳ م، تأسیس شد و پیوسته در بیانیه های خود از اصطلاحات اهواز اشغالی و لزوم یکپارچگی صفوف عربی برای آزادی عربستان سخن به میان آورده است. در سایت اینترنتی این گروه نقشه ای از خوزستان تحت عنوان عربستان آمده و در گوشه ای از آن عده ای در حال بلند کردن نام الاهواز هستند که تصویر «شیخ خزعل»

را در خود دارد. رخدادهای مرتبط با خرابکاری و اقدامات تروریستی در سالهای اخیر در خوزستان و بویژه در اهواز عمدتاً با هدایت این جریان انجام می‌گیرد.

۲- جریان عرب‌گرای هوادار فدرالیسم: این گروه، فرقی بین عملکرد نظام سیاسی انقلابی با نظام سیاسی پهلوی قائل نیست، ولی مخالف جدایی طلبی است و راه احقاق حقوق خود را خودمختاری منطقه‌ای تحت حاکمیت کشور واحد ایران می‌داند. این جریان در دو بعد بین‌المللی و داخلی فعالیت‌هایی را صورت داده است:

الف) فعالیت در بعد بین‌المللی جریان هوادار فدرالیسم مبتنی بر جلب نظر بازیگران بین‌المللی دولتی و غیر دولتی و جریان مقبول فکری و فرهنگی جهانی است و با اهداف فضاسازی بین‌المللی به منظور فشار بر ایران در قالب سخنرانی‌های نخبگان قومی در سمینارها و تجمعات بین‌المللی و منطقه‌ای پیگیری می‌شود.

در این حوزه فعالیت، «نماینده‌گی عرب‌های اهواز»، حزب «همبستگی دموکراتیک اهواز» و افرادی چون «کریم بنی سعید» و «یوسف عزیزی بنی طرف» قرار دارند.

ب) فعالیت در بعد داخلی جریان هوادار فدرالیسم برای جلب افکار عمومی در داخل کشور و نوعی فضاسازی داخلی است. این جریان می‌کوشد صلاحیت هر نوع اظهار نظر انتقادی درباره عرب زبان‌های خوزستان را در انحصار خود درآورد، لذا در مقابل مسائل و مطالبی که از سوی مدیران و نخبگان و مطبوعات استانی صادر می‌شود واکنش نشان می‌دهد. از طرفی می‌کوشد توان تأثیرگذاری خود را با ایجاد ائتلافی با سایر افراد و گروه‌های فعال مسائل قومی در سراسر کشور گسترش دهد و فعالانه در مقابل مسائل قومی موضع بگیرد. گرچه این گروه فعال خودمختاری منطقه‌ای را تحت حاکمیت نظام فدرالیسم شعار خود قرار داده است اما این امر تاکتیکی و گامی در جهت تحقق جدایی طلبی می‌تواند ارزیابی شود. (همان، ۶).

سلفی‌گری و ناسونالیسم قومی عربی

یکی از هنجارهای مورد مناقشه و دیرین در محاسبات جریان سلفی‌گری سیاسی مساله عربیت و تمایز آن با فرهنگ عجم است. در واقع هر چند جریانات معتدل سلفی همچون اخوان المسلمین تلاش کرده اند یگانگی عرب را بر بنیاد اسلامی تحقق بخشند اما در برخی گرایش‌های افراطی آثار و تعلقات قومی عربی بسیار برجسته است. دست کم آن را در تقابل با جمهوری اسلامی ایران برجسته می‌نمایند به ویژه در عراق که یکی از ریشه‌های بدبینی گروه‌های سنی - شیعی نسبت به یکدیگر در آن به دوران ظهور نهضت شعوبیه در قرون اولیه بعد از

ظهور اسلام و اتهامات شعوبی‌گری باز می‌گردد. این جریان در دوران رژیم صدام تقویت شد و طی آن هر عراقی از باب احتیاط بایستی از ناسیونالیسم عرب و صلاحیت‌های ناسیونالیستی عراق تمجید می‌کرد (غبر، ۱۴۱: ۱۳۸۱). برخی جریان‌های سلفی در عراق با تفکیک ضمنی اسلام عرب و غیر عرب سعی می‌کنند از ظرفیت‌های قومی و عربی در مناسبات خود علیه سیاست خارجی ایران بهره ببرند. همچنان که همین طیف در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جانب عراق را گرفتند با این توجیه که دو هویت عربی و فارسی در حال جنگند. این موضوع آنچنان در فرهنگ سیاسی برخی سلفی‌های افراطی دارای اهمیت و اعتبار سیاسی است که امروزه هم عربیت و هم اسلام‌گرایی سلفی در برخی کشورهای عربی حامل نوعی ضدیت با ایران و شیعه است. هر چند میزان آن در کشورهای مختلف متفاوت است اما جمع‌هم‌رو را می‌توان به وجه ملموس در میان سلفی‌های فعال در صحنه عراق ملاحظه کرد. در این تصویر سازی از یک سو فرهنگ عربی تا حد زیادی صبغه مذهبی (سنی) یافته و از سوی دیگر سنی‌گرایی وضعیت طبیعی اعراب قلمداد می‌شود. بدین ترتیب در سایه این نگره مکرر تأکید می‌شود که عراق فقط با تکیه بر سنت راه رستگاری را می‌یابد. در این چارچوب سیاست نزدیکی یا همگرایی ایران با برخی کشورهای عربی مانند سوریه به مثابه شکاف در امت عربی تعبیر می‌شود و حمایت ایران از جنبش‌های سنی نیز به منزله نفوذ سیاست خارجی ایران در میان اهل تسنن قلمداد می‌گردد (سید نژاد، ۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۶).

عراق جدید عضو اتحادیه عرب و طبق قانون اساسی جدید، برای خود هویتی عربی قائل است هنوز بسیاری از گروه‌ها و احزاب ناسیونالیسم عربی در عراق جدید واجد نفوذ هستند و این احتمال متفی نیست که آنها برای دستیابی به منافع گروهی خود یا مصالح ملی عراق به آن متوسل شوند. در حال حاضر هواداران القاعده، بقایای حزب بعث، بخشی از اعراب سنی و ناسیونالیست‌های شیعی عراق مخالف توسعه روابط ایران و عراق بوده و از نفوذ روز افزون تهران در کشورشان ناراضی هستند. از نظر این طیف و برخی کشورهای عرب منطقه مثل عربستان سعودی، اردن و مصر که از خطر هلال شیعی و نفوذ ایران ابراز نگرانی می‌کنند، عراق همانند گذشته عرصه منازعه و رقابت میان ((پارسی‌ها)) و اعراب باقی خواهد ماند و نه تنها نباید عرصه تاخت و تاز ایران باشد، بلکه باید در مهار قدرت روز افزون ایران ایفای نقش کند. چنین دیدگاهی در آمریکا نیز طرفدارانی جدی دارد که خواهان مهار ایران از طریق

فعال کردن عراق به عنوان عنصر موازنه بخش منطقه ای در قبال ایران است (خسروی، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۹).

نتیجه گیری

پژوهش فوق که با نام سلفی گری در عراق جدید و تاثیر آن بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت بنا به فرضیه مطرح شده شکل گیری سلفی گری در عراق باعث تقویت روحیه جدایی طلبی در اقوام جنوب و غرب ایران و همچنین گسترش گروههای تروریستی و جدایی طلب می شود.

تضمین امنیت ملی از مهم ترین شاخصه های یک حکومت پویا و مقتدر است که رجال سیاسی، نظامی و امنیتی حاکمیت خود را متعهد به تأمین آن می دانند. شواهد نشان می دهد که در شرایط حساس کنونی، مهم ترین تهدید امنیت ملی در عرصه داخلی، مطالعه دقیق عوامل خارجی (آمریکا، انگلستان و اسرائیل) از دو عامل قومیت و فرقیت و استفاده ابزاری و تهدیدآمیز از آنان در جهت تضعیف حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی ایران است که هرگونه اهمال کاری در تضعیف و مهار سناریوی آنان می تواند، در کوتاه مدت سایر حوزه های امنیت ملی را با چالش مواجه کند.

در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی دارد. حضور این افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده های فرهنگی آن در برخی از مراکز، باعث جلب توجه برخی از جوانان پرشور که از اقدامات سرکوبگرانه اشغالگران به ستوه آمده اند، شده است و برای رهایی از این فشار، زمینه را برای گرویدن به این جریان های افراطی مناسب دیده اند. باید توجه داشت یکی از مهمترین اقدامات فرهنگی که می تواند در مواجهه با چنین برداشت های نادرستی از اسلام و سنت به کار آید استفاده از همه امکانات و ظرفیت هایی سازمان های تقریبی است. البته باید در نظر داشت که بروز برخی از تحریکات غلوآمیز برخی از شیعیان در ایجاد حس نفرت و بدبینی میان اهل سنت نیز در شدت بخشیدن به این مسئله بی تأثیر نبوده است.

سوالی که در ابتدای این تحقیق بیان شد، این بود که جریان سلفی گری در عراق جدید، چه تاثیری بر مباحث قومی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ با فرضیه ای که مطرح کردیم و

چنین تصور شد که شکل‌گیری سلفی‌گری در عراق باعث تقویت روحیه جدایی‌طلبی در اقوام جنوب و غرب کشور و گسترش گروه‌های تروریستی و جدایی‌طلب می‌شود. این فرضیه را در چند مرحله مورد آزمون قرار دادیم و دیدیم که جریان سلفی‌گری در عراق، به مرزهای ایران نیز کشیده شد، از جمله سلفی‌ها در کردستان ایران بودند که ظهور اسلاميون تندرو در کردستان ایران تحت عنوان «سلفیه» که پیشینه تاریخی زیادی ندارد. ولی در سال‌های اخیر و بویژه پس از سال ۱۳۸۰ و سقوط طالبان در افغانستان، انتشار گزارش‌هایی مبنی بر فعالیت جریان سنی - سیاسی - «سلفی‌های کرد» و ضدیت آن با ملی‌گرایی کرد و تبلیغ شدید علیه مذهب تشیع، حضور این جریان و پیامدهای گسترش آن را به عنوان یکی از چالش‌های پیش روی مناطق کردتشنین که عمدتاً سنی‌مذهب هستند، آشکار می‌سازد.

همچنین این جریان به قومیت عرب در خوزستان نیز کشیده شد، به طوری که در اکثر شهرهایی که در جنوب استان خوزستان بودند و با عراق مرز مشترک داشتند، وهابیت و سلفی‌گری سرایت کرده بود، این مبحث به جایی رسید که ریس جمهور محترم جناب دکتر احمدی نژاد در سفر استانی که به خوزستان داشتند در جمع مردم این استان به صراحت اعلام کردند که ما می‌دانیم چند نفر وهابی در این استان وجود دارد، ولی هیچ وقت نمی‌توان آمار دقیقی از این جریان در استان خوزستان به دست آورد. اما در رابطه با تاثیر این جریان می‌توان به جریان‌های جدایی‌طلبی سلفی در جنوب و غرب کشور اشاره کرد، که در جنوب جنبش الاحوازیه و در غرب کشور یعنی در کردستان گروهک تروریستی پژاک هستند که با دیدگاه جدایی‌به این مسئله می‌نگرند و همیشه در پی جدایی بوده‌اند و این خود باعث تاثیر در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

منابع

۱. اچرش، وفا، حسینی شوشتری، مریم (۱۳۸۸). توسعه مناسبات کشورهای عربی با عراق و پیامدهای منطقه‌ای آن. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. احمدی، کورش (۱۳۸۴). عراق پس از سقوط بغداد. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۳. اسدی، علی اکبر (۱۳۸۷). تحولات و مسایل جدید عراق و رویکرد ایران. تهران: انتشارات شادان.
۴. اکبری، حسین، (۱۳۸۸). بحران حاکمیت در عراق. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور
۵. بشیریه، حسین، (۱۳۷۴) جامعه شناسی سیاسی، نقش گروه های اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
۶. بیگدلی، علی (۱۳۶۸). تاریخ سیاسی - اقتصادی عراق. تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
۷. پورسعید، فرزاد، (۱۳۸۵) تئوریسم نوین و منافع جمهوری اسلامی ایران. تهران: مطالعات راهبردی شماره ۳۴.
۸. جعفری، محمد (۱۳۸۶). بررسی چشم انداز آینده تحولات عراق. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. خسروی، غلامرضا، (۱۳۸۹) مولفه های داخلی پایدار و موثر بر سیاست خارجی عراق جدید. تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۴۷.
۱۰. دلاورپور، مصطفی (۱۳۸۸). «آسیب شناسی فرقه وهابیت از رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». ماهنامه پگاه حوزه. شماره ۲۷۳.
۱۱. ربیعی، علی (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۲. سرمقاله (۱۳۷۹). «امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۹. تابستان.
۱۳. سید نژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). «سلفی گری در عراق و تاثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۴۷.
۱۴. سیف زاده، حسین (۱۳۷۸). اصول روابط بین الملل (الف و ب). تهران: نشر دادگستر.
۱۵. غبر، شفیق، (۱۳۸۱) فرهنگ خشونت در کشور عراق، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۵.

۱۶. فب، مار (۱۳۸۰). تاریخ نوین عراق. ترجمه محمد عباسپور. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۷. فولر، گراهام، اندر حیم فرانکه، ترجمه خدیجه تبریزی (۱۳۸۴). شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، تهران: نشر اسوه.
۱۸. کریمی پور یدالله، کریمی پور کوثر (۱۳۸۳). «عربهای خوزستان واگرایی و همگرایی». تهران: مرکز نشر مقالات جهاد دانشگاهی.
۱۹. کیوان، مامون (۲۰۰۸). خريطة الجماعات المسلحة في العراق: النشاه والمسمار و الافاق. فصيله شوون الاوسط، لبنان، ش ۱۳۰.
۲۰. گلچین، علی (۱۳۸۸). «تعارضات ساختاری عراق و تاثیر آن بر افراط گرایی». تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). «توريسم و جنبشهای سیاسی اجتماعی جدید». فصلنامه سیاست. دوره ۳۹. شماره ۱.
۲۲. مطالعات اندیشه سازان نور (۱۳۷۹). تاریخچه سیاسی وهابیت. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۲۳. معید فر سعید، رضایی علیرضا (۱۳۸۸). «تحليلی بر وضعیت هويت قومی در جامعه ایران». فصلنامه مطالعات سیاسی. سال اول شماره ۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر.
۲۴. المقدسی، ابومحمد (۲۰۰۸). السلفیه الجهادیه و ... قناه الجزیره. www.aljazeera.net
۲۵. مکین لای اردی، آرلیتل (۱۳۸۱). امنیت جهانی، رویکردها و نظریه ها. ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۶. نامی، محمدحسن، محمد پور، علی (۱۳۸۷). جغرافیایی کشور عراق باتاکید برمسائل ژئوپلیتیک. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۷. یوسفی، مهدی (۱۳۸۴). مجموعه گزارش کشوری انرژی عراق. تهران: موسسه مطالعات بین المللی انرژی.

28. <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=524438>

29. <http://www.khabaronline.ir>

30. https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/countrytemplate_iz.html